

رابطه علی رنج ادراک شده با رضایت زناشویی از طریق میانجی گری، مهربانی، اعتماد، عدالت، همدلی و بخشش

بخشش

فاطمه فرزادی *

حمید فرامرزی **

منیجه شهینی بیلاق ***

زهرا قاسمی ****

چکیده

پژوهش حاضر در صدد بود تا مؤلفه‌های مدل تعارض و بازسازی رابطه زناشویی را بررسی کند که ملز، بکن باخ و گاتریک، از طریق روش تحلیل مسیر ارائه کرده بودند. کارمندان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز، جامعه آماری پژوهش در نظر گرفته شد. از این جامعه تعداد ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. که در نهایت ۱۸۰ پرسشنامه به صورت کامل به دست آمد. از شرکت‌کنندگان خواسته شد که مقیاس مهربانی (GRACE) پاتریک و همکاران (۲۰۱۳)، مقیاس اعتماد (TS) رمپل، هولمز و زانا (۱۹۸۰)، مقیاس صفات همدلی باتسون (BEA) باتسون و همکاران (۲۰۰۶)، مقیاس رضایت زناشویی دوطرفه تجدید نظر شده (RDAS) بوبسی، کرین، لارسون و کریستین (۱۹۹۵)، مقیاس اخلاق رابطه‌ای (RES) هارگریو، جنینگز و آندرسون (۱۹۹۱) و مقیاس حل روابط بین فردی (IRRS) هارگریو و سلز (۱۹۹۷) را تکمیل کنند. نتایج پژوهش نشان داد که، مهربانی، عدالت، اعتماد، همدلی و بخشش به رضایت بیشتر از روابط زناشویی منجر می‌شوند. تحلیل مسیر، رابطه بین بیشتر متغیرهای تحقیق را تأیید کرد. همچنین، نتایج تحلیل نشان داد که مسیر متغیرهای اعتماد و عدالت با بخشش به سمت رضایت زناشویی پیش‌بین و معنادار نیستند، اما در عوض

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز fatemehfarzadi@yamil.com

** کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

*** استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

**** دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۹

اعتماد و عدالت نقش خود را به عنوان میانجی از طریق تأثیرگذاری مهربانی بر آن‌ها رضایت از رابطه نشان دادند. کاربرد بالینی برای مدل حاضر بدیهی به نظر می‌رسد، این مدل تأثیر متغیرهای مهم و مؤثر در رابطه زناشویی را به خوبی مشخص کرده است و احتمالاً به واسطه افزایش آگاهی زوجین با حالات درونی خودشان و درک چگونگی فرایندهای ارتباطی که بین زوجین رخ می‌دهد می‌تواند به عنوان روشی برای شروع و اصلاح رابطه زناشویی عمل کند که همین امر در بالا رفتن رضایت و کیفیت زندگی زناشویی مؤثر است.

واژگان کلیدی:

رضایت زناشویی؛ بخشش؛ عدالت؛ اعتماد؛ همدلی

مقدمه

با نظر کردن به گذشته نوع انسان، ازدواج مهم‌ترین مرحله از زندگی بشر بوده است. حمایت عاطفی و اجتماعی که از طریق ازدواج به دست می‌آید بر سلامت فیزیکی، معنوی و اجتماعی زوج‌ها تأثیرگذار است. ازدواج و تشکیل خانواده علاوه بر تأمین و ارضای نیازهای عاطفی، روانی و جنسی و غیره می‌تواند کانون پرورش نسل‌های سالم و رشد یافته شود (خاکپور، نظری و زهراکار، ۱۳۹۴). از آنجا که رضایت و سازگاری زناشویی به استحکام و پایداری در ازدواج مرتبط است، مدت طولانی است که به عنوان یک موضوع مرسوم در مطالعات مربوط به خانواده مورد توجه پژوهشگران است (ارشد، نعیم محسن و محمود^۱، ۲۰۱۴). رضایت زناشویی ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی یا رابطه عاشقانه کنونی فرد محسوب شده، می‌تواند انعکاسی از میزان شادکامی و احساس مطلوب زوجین نسبت به رابطه زناشویی خود و تلاش در جهت برآورده کردن مهم‌ترین نیازهای شریک خود باشد (کوچار و شارما^۲، ۲۰۱۵). تحقیقات علوم اجتماعی دهه‌هاست پیرامون رابطه زناشویی متمرکز شده‌اند. نتایج پژوهش حاضر در راستای دیگر پژوهش‌ها همچون (پاتریک، بکنباخ، سلز و ریدرون^۳، ۲۰۱۳) نشان داد که بین سطوح پایین تعارض در رابطه و سطوح بالای رضایت از رابطه زناشویی رابطه قوی وجود دارد. در مقابل رضایت زناشویی، تعارض زناشویی از ناهماهنگی

-
1. Arshad, Naeem Mohsin & Mahmood
 2. Kochar & Sharma
 3. Patrick, Beckenbach, Sells & Reardon



زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضاء آنها، خودمحموری، اختلاف در خواسته‌ها، طرحواره‌های رفتاری، رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج ناشی می‌شود (شیفر^۱، ۱۹۹۶؛ گلاسر^۲، ۲۰۰۰؛ به نقل از آریامنش، فلاح چای و زارعی، ۱۳۹۲). در واقع، عدم رضایت زناشویی، حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و زوج‌های متوقع را متأثر می‌کند. این حالت زمانی بروز می‌کند که آنها متوجه می‌شوند به‌رغم تلاششان، رابطه آنها به زندگی معنا نداده و نخواهد داد (یاقوتیان، سلیمانان و بخشی، ۱۳۹۴).

امروزه محققان شناختی- رفتاری برای شناخت همه جانبه عوامل مرتبط با زندگی زناشویی علاوه بر طراحی مدل‌های مداخله در رابطه زناشویی، با تأکید بر فرایندهای ارتباط دو جانبه، مدل‌هایی را نیز برای درک تعارض در رابطه زناشویی از جمله مدل تعارض و بازسازی رابطه^۳ (RCRM) ارائه داده‌اند (سلز، بکنباخ و پاتریک، ۲۰۰۹؛ بکنباخ، پاتریک و سلز، ۲۰۱۰). طبق این مدل، به‌نظر می‌رسد که زوجین یک الگوی اجتناب‌ناپذیر را دنبال می‌کنند که مؤلفه‌های قابل پیش‌بینی تعارض در رابطه را تشکیل می‌دهند و این الگوها دوره‌ای هستند (پارهاوس و سلز^۴، ۲۰۰۸). تأثیر این الگوهای تعارض این است که «زوجین اغلب به‌طور گزینشی رفتار و واکنش‌های یکدیگر را به طریقی تفسیر می‌کنند که به رنج و افسردگی‌شان تداوم می‌بخشند (جانسون، ماکینن و میلیکین^۵، ۲۰۰۱). با توجه به اهمیت رابطه بین زوجین در زندگی و درک متغیرهای مداخله‌کننده در عدم رضایت زناشویی، در این پژوهش قصد داریم رابطه علی رنج ادراک شده در رابطه با رضایت زناشویی از طریق میانجی‌گری، مهربانی^۶، عدالت^۷، همدلی^۸، اعتماد^۹ و بخشش^{۱۰} را بررسی کنیم.

ارتباط زناشویی، فرایندی است که در طی آن زن و شوهر چه به صورت کلامی در قالب

1. Shafer
2. Glaser
3. relationship conflict and restoration model
4. Yarhouse & Sells
5. Johnson, Makinen & Millikin
6. grace
7. justice
8. empathy
9. justice
10. forgiveness

گفتار و چه به صورت غیرکلامی در قالب گوش دادن، مکث و حالات چهره به تبادل احساسات و افکار اقدام می‌کنند (ویت، استالهافر و هالد^۱، ۲۰۱۶). در این رابطه همواره مشکلات و مسائل زیادی در پیش روی زوجین قرار دارد که دلزدگی یا رنج در رابطه را احساس می‌کنند. باید گفت، زوجین به علت ناآگاهی از چگونگی مواجهه با مشکلات در رابطه زناشویی در یک چرخه مخرب تعارض و عدم رضایت زناشویی قرار می‌گیرند. این چرخه از طریق کنش متقابل بین رنجی که فرد در رابطه احساس می‌کند و پاسخ‌های دفاعی که در برابر آن رنج و درد برای محافظت از خود اتخاذ می‌کند مشخص شده که همین امر به عدم رضایت زناشویی منجر می‌شود (بکنباخ و همکاران، ۲۰۱۰). پاتریک و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند، رنج ادراک شده در رابطه زناشویی به این صورت عمل می‌کند که منفی‌نگری همسر، به کناره‌گیری شوهر منجر شده و کناره‌گیری شوهر، منفی‌گرایی همسر را افزایش می‌دهد، که همین امر کیفیت زندگی زناشویی را پایین می‌آورد. در پژوهشی دیگر بوکار، سلز، جیراندو و تولرود^۲ (۲۰۱۱) نشان دادند انباشته شدن سرخوردگی‌ها و تنش‌های زندگی روزمره، سبب فرسایش می‌شود، همین امر موجب رنجش یکی از زوجین شده که می‌تواند به کناره‌گیری از همسر منجر شود و سرانجام به عدم رضایت و کیفیت زناشویی پایین منتهی شود. این چرخه معلولی بین رنج و دفاع در برابر آن، زمانی از بین می‌رود که زوجین این نگرش را پیدا کنند که اولاً این عدم رضایت چگونه ایجاد می‌شود و چگونه راه‌حل‌های جدیدی را جایگزین آن کرده و درصدد بهبود و اصلاح رابطه زناشویی خود برآیند.

مهربانی سازه بسیار تأثیرگذاری در رابطه زناشویی است که در همه ابعاد زندگی می‌تواند نمود پیدا کند و راه‌حل بسیاری از مشکلات باشد. مک مین^۳ (۲۰۰۸) درباره مهربانی این‌گونه گفته است. «مورد لطف کسی واقع شدن، لطفی که بلاعوض به کسی اعطا می‌شود یا پاسخی در قبال یک لطف». کندی^۴ (۲۰۰۷) در پژوهش خود دریافت که افزایش در پاسخ‌های معنادار امید، بخشش، پذیرش، باور، قدردانی و دلگرمی به عنوان یک امر بسیار تأثیرگذار در رفتار

-
1. Veit, Stulhofer & Hald
 2. Bokar, Giordano & Tollerud
 3. McMinn
 4. Kennedy



مطلوب اجتماعی و رابطه اثربخش زناشویی است و در مقابل افراد در سازه توهین، ساختارهایی مانند رنج روانی، شرم و احساس گناه، خجالت و احساس حقارت، غم و احساس کمبود و ضعف را شامل می‌شود. پاتریک و همکاران (۲۰۱۳)، درباره اثرگذاری مهربانی در رابطه زناشویی بیان می‌کنند که مهربانی می‌تواند به عنوان ابزاری برای شکستن چرخه احساس رنج و دفاع در برابر آن استفاده شود. مهربانی، تسلی و آرامش را به شکل یک پاسخ خوشایند به شریک زندگی که رنج و درد را تجربه و ابراز می‌کند، نشان می‌دهد که افراد را از تحمل رنج و پاسخ‌های نامناسب مربوط به آن به سوی پاسخ‌های حمایتی سوق می‌دهد. مهربانی در رابطه زناشویی، می‌تواند با در بر گرفتن ساختارهای عدالت، همدلی، اعتماد و بخشش، مصالحه ایجاد کند. در این راستا، مک کارتی^۱ (۲۰۱۲) در بررسی رابطه بین درد و مهربانی با تعارض زناشویی نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین درد و رنج ادراک شده در رابطه با مهربانی و رضایت زناشویی وجود دارد، همچنین رنج ادراک شده، رابطه مثبتی با احساس آسیب، راهکارهای دفاعی ناسالم و تعارض زناشویی داشت. همچنین پریم^۲ (۲۰۱۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که اندوه و رنج هر یک از زوجین در رابطه زناشویی با افزایش مهربانی، امید و بخشش کاهش می‌یابد. در واقع مهربانی می‌تواند به عنوان میانجی بین درد و رضایت زناشویی قرار بگیرد. عدالت زناشویی متغیر بسیار مهم دیگری است که می‌تواند بر کیفیت رابطه زناشویی تأثیر بگذارد. بوسزورمنی- ناگی^۳ (۱۹۸۷؛ به نقل از پاتریک و همکاران، ۲۰۱۳) عدالت را یک شرط اساسی برای بقای انسان در نظر گرفت. عدالت مستلزم این است که هر یک از زوجین تمایل به حل مشکلات، بررسی راه‌حل‌ها و اعمال و رفتاری را داشته باشند که منصفانه، متعادل و دوجانبه است. تحقیقات قبلی، رابطه بین عدالت و رضایت زناشویی را تأیید کرده‌اند. از جمله، آسوده، خلیلی، دانش پور و لواسانی^۴ (۲۰۱۰) نشان دادند که عدالت در رابطه زناشویی، اعتماد میان همسران را افزایش داده که همین امر کیفیت رابطه زناشویی را بالا می‌برد. قبادی، دهقانی، منصور و عباسی (۱۳۹۰)، نیز نشان دادند که بین تقسیم‌کار خانگی

-
1. McCarthy
 2. Prime
 3. Boszormenyi-Nagy
 4. Asoodeh, Khalili, Daneshpour & Lavasani

و رضایت زناشویی رابطه بسیار ضعیف، اما میان عدالت ادراک شده از رابطه و رضایت زناشویی رابطه قوی تری وجود دارد. در پژوهشی دیگر، سبحانی، خانی و خانی (۱۳۹۲) دریافتند که وجود یک عدالت دو طرفه در زندگی زناشویی، صمیمیت زوجین را افزایش داده و سازگاری بیشتری فراهم می‌کند. باقرزاده، تقی‌زاده، محمدی، کاظم نژاد، پور رضا و عبادی^۱ (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود نشان دادند که وجود تعارض در عدالت زناشویی با عدم رضایت زناشویی همراه است. همین امر فرسودگی شغلی در محیط کار را نیز پیش‌بینی می‌کند.

یکی از متغیرهای که می‌تواند روی رضایت زناشویی تأثیر بگذارد، همدلی است. همدلی می‌تواند رضایت زوجین از زندگی را افزایش دهد. همدلی یکی از خصوصیات ذاتی انسان‌ها است که به عنوان پاسخ عاطفی فرد به واکنش‌های عاطفی دیگران و عنصری ضروری برای عملکردهای موفقیت‌آمیز بین شخصی محسوب می‌شود (سوسا، مکدونالد، راش بی، لی، دیموسکا و جیمز^۲، ۲۰۱۰). همدلی، علاوه بر تأثیر مستقیمی که بر رضایت زناشویی دارد، می‌تواند از طریق بخشش نیز منجر به سازگاری زناشویی شود. یدیری و هامارت^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان دادند درک همدلی، این امکان را برای زوجین فراهم می‌آورد تا درباره حالت دفاعی و منابع رنج و درد یکدیگر آگاهی پیدا کنند و رنج و استرس در رابطه را کاهش دهد. همچنین همدلی بین زوجین سبب می‌شود که اعتراف و معذرت‌خواهی در روابط صمیمانه به افزایش احتمال بخشش منجر شود. نادری، مولوی و نوری (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که همدلی و بخشش از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایت زناشویی هستند. سوسا و همکاران (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که وجود مهربانی در رابطه زناشویی، همدلی را افزایش داده که این امر باعث افزایش احترام و ارزش‌دهی به همسر می‌شود و کاهش مقاومت در زوجها و بهبود ارتباط آن‌ها می‌شود. رضوی نعمت‌اللهی و مهربانی گوهری (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود تحت عنوان رابطه همدلی، امید به زندگی و رضایت جنسی با سازگاری زناشویی نشان دادند که افزایش همدلی، امید به زندگی را در بین زوجین افزایش داده که همین امر سازگاری زناشویی و رضایت جنسی را به طور چشمگیری بالا می‌برد. متغیر اساسی

-
1. Bagherzadeh, Taghizadeh, Mohammadi, Kazemnejad, Pourreza & Ebadi
 2. Sousa, McDonald, Rushby, Li, Dimoska & James
 3. Yedirir & Hamart



دیگری که در هر رابطه نزدیک و صمیمی باید به آن توجه کرد و اساس یک رابطه را تشکیل می‌دهد، اعتماد بین طرفین است. اعتماد، مهم‌ترین مسئله در رابطه زوجین است و اغلب در کنار تعهد و عشق به عنوان هسته مرکزی رابطه ایده‌آل در نظر گرفته می‌شود. بروان^۱ (۲۰۰۱)، به نقل از خندان دل و کاویان‌فر، (۱۳۹۴). لازم به ذکر است که پژوهش منطقی در زمینه اعتماد و سازگاری زناشویی در پژوهش‌های داخلی بسیار محدود بود. در این راستا، زارعی، فرح‌بخش و اسماعیلی (۱۳۹۲) نشان دادند که خودمتمایزسازی، اعتماد و شرم با سازگاری زناشویی رابطه معنادار دارند. نوریس و زیگنهایت^۲ (۲۰۰۹) نیز نشان دادند زوج‌هایی که سطح اعتماد بیشتری دارند، مدام اسنادهای مثبتی را نسبت به یکدیگر و رابطه‌شان ابراز می‌کنند و رضایت بالاتری از ازدواج خود دارند. پاتریک و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان دادند وجود اعتماد در رابطه زناشویی بخشش را بین زوجین افزایش می‌دهد و باعث می‌شود زوجین خیلی مسائل ناچیز را نادیده بگیرند و کیفیت رابطه زناشویی را افزایش می‌دهد. با توجه به پژوهش‌های انجام شده باید گفت، اعتماد دارای یک اثر پایدار در رضایت زناشویی است. به طوری که تجارب مثبت، به اعتماد بیشتر و در نتیجه به تجارب مثبت‌تر منجر می‌شود.

علاوه بر اعتماد که بنیان اساسی یک رابطه را تشکیل می‌دهد، بخشش نیز در ادامه یک رابطه زناشویی نقش تعیین کننده دارد. بخشش، یکی دیگر از متغیرهایی است که امروزه در حوزه رضایت زناشویی زوج‌ها توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. بخشش را فرایند کاهش خشم، کاهش نارضایتی یا تنفر از دیگران، آزادی از قضاوت و ادراکات گذشته، آزادی از پاسخ‌های آموخته و عادی نسبت به موقعیت‌ها و تلاش برای التیام زخم‌های گذشته تعریف کرده‌اند. می‌توان گفت وجود بخشش، به رابطه کامل و سودمند بین دو طرف در هنگام احساس تنش و آسیب منجر می‌شود (بکنباخ و همکاران، ۲۰۱۰). درباره رابطه بین مهربانی و بخشش پاتریک و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که بخشش به عنوان یک عامل برای بازسازی عشق و علاقه و اعتماد در رابطه است. در نهایت، بخشش، ما را به مهربانی بر می‌گرداند، مهربانی، ظرفیت ما را برای رفتار کردن از روی بخشش در مواجهه با رنج خود به عبارتی دیگر،

1. Brown

2. Norris & Zweigenhaft

هم رنج خود و هم رنج دیگری افزایش می‌دهد. نادری و همکاران (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که بخشش، تعاملات منفی زوج‌ها را از بین می‌برد و آن‌ها را در اتحادی دوباره به هم نزدیک می‌کند. نتیجه چنین اتحادی افزایش رضایت از زندگی مشترک و تلاش منطقی برای حل تعارضات است. همچنین، باکوس^۱ (۲۰۰۹) نیز نشان داد که وجود حس بخشش به کاستن از احساسات منفی و افزایش احساسات مثبت منجر شده که رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد. دغاغله، عسگری و حیدری (۱۳۹۱) در پژوهش خود تحت عنوان رابطه بخشش، عشق و صمیمیت با رضایت زناشویی نشان دادند که بین صمیمیت و بخشش با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد و از بین متغیرهای پیش‌بین بخشش بهترین پیش‌بینی‌کننده میزان رضایت زناشویی گزارش شد.

در نهایت باید گفت، آگاهی زوجین از چگونگی تأثیر متغیرهای بسیار مهم در رابطه و چگونگی واکنش در برابر آن‌ها در زمان بروز تعارضی در رابطه، سبب می‌شود یکی از زوجین قادر باشد تا فرایند بازسازی و اصلاح رابطه را به‌کار گیرد تا این وقایع را مدیریت و کنترل کند. توجه به این رویکردهای متفاوت، در خصوص اینکه چه عواملی می‌تواند در خصوص تلاش برای حل مشکلات و مسائل در رابطه زناشویی به توجه بیشتری نیاز داشته باشند، می‌تواند زوجین و درمانگران را دچار تردید کند. هدف این پژوهش ارائه حمایت تجربی برای یک مدل تعارض در رابطه همسران بود. این مدل به عنوان چهارچوبی برای مفهوم‌سازی تعارض و عوامل ضروری پایه برای ایجاد روابط رضایت‌بخش بود. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه رنج ادراک شده در رابطه با رضایت زناشویی با میانجی‌گری مهربانی، اعتماد، بخشش، عدالت و همدلی است.

روش پژوهش

طرح پژوهش، همبستگی از نوع تحلیل مسیر^۲ به عنوان یک روش همبستگی چند متغیری است. جامعه آماری این پژوهش کارمندان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز (۴۲۷ نفر) بودند.

1. Backus

2. path analysis



از این جامعه تعداد ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که در مرحله اول از بین ۱۵ دانشکده، تعداد ۵ دانشکده به صورت تصادفی انتخاب شد و در مرحله بعد از هر دانشکده تعداد ۴۰۴۰ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. در نهایت ۱۸۰ پرسشنامه به صورت کامل به دست آمد. اخلاق پژوهش در این مطالعه کاملاً رعایت شد به گونه‌ای که به مشارکت‌کنندگان در زمینه محرمانه ماندن اطلاعات، اطمینان خاطر داده شد و آن‌ها با رضایت کامل، پرسشنامه‌ها را در محیطی آرام و بدون ذکر نام تکمیل کردند. برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد نظر از مقیاس مهربانی^۱، مقیاس اعتماد^۲، مقیاس صفات همدلی باتسون^۳، مقیاس رضایت زناشویی تجدید نظر شده^۴، مقیاس اخلاق رابطه‌ای^۵ و مقیاس حل روابط بین فردی^۶ استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS-16 تجزیه و تحلیل شد.

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

مقیاس مهربانی: پاتریک و همکاران (۲۰۱۳)، به ساخت پرسشنامه‌ای در خصوص ارزیابی سازه مهربانی در رابطه زناشویی زوجین اقدام کردند در واقع بر اساس پیشینه تحقیقی انجام شده ابزاری برای برآورد و ارزیابی ساختار مهربانی وجود نداشت و این ابزار برای نخستین بار توسط محقق، ترجمه و به فارسی برگردانده شد. مقیاس حاضر ۷ ماده‌ای شامل سؤالات بلی/ خیر مانند «همسرم بدون پرسیدن در حقم لطف می‌کند» ساخته شد. نمره‌ها بین محدوده ۷ تا ۱۴ بودند که نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده سطوح بالاتر مهربانی در رابطه است. پایایی درونی مقیاس مهربانی، با استفاده از آلفای کرونباخ در پژوهش پاتریک و همکاران ۰/۷۵ گزارش شد. در پژوهش حاضر پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ مقدار ۰/۷۸ به دست آمد.

1. Grace Scale
2. Trust Scale (TS)
3. Batson Empathy Adjective
4. Revised Dyadic Adjustment Scale
5. The Relational Ethics Scale
6. The Interpersonal Relationship Resolution Scale

مقیاس اعتماد (TS): این مقیاس را رِمپل، هولمز و زانا^۱ (۲۰۰۱) ساختند. یک ابزار خودگزارشی ۱۸ ماده‌ای است که میزان اعتماد افراد نسبت به همسرشان را می‌سنجد. آزمودنی در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) میزان موافقت یا مخالفت خود را با جملات مربوط به اعتماد بیان می‌کند. بعضی از ماده‌های این پرسشنامه از مقیاس «روابط بین فردی^۲» (IRS) ساخته شده است که شلاین، گورنی و استور^۳ تهیه کرده‌اند (رِمپل و هولمز، ۱۹۸۶). پایین‌ترین نمره ۱۸ (نشان‌دهنده اعتماد پایین فرد نسبت به همسر) و بالاترین نمره ۱۲۶ (گویای اعتماد زیاد فرد است). بر اساس روایی پیش‌بین و افتراقی، وفاداری با مقیاس عشق همبستگی قوی دارد ($r = 0/46$)، (رابین^۴، ۱۹۷۵). این پرسشنامه را زارعی و همکاران (۱۳۹۲) به فارسی ترجمه کردند. ضریب روایی ۰/۸۴ با استفاده از روش روایی ملاکی به دست آمد، همچنین پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ گزارش شده است. روایی همزمان برای مقیاس اعتماد توسط ستینکایا، کمر، بولگان و تزر^۵ (۲۰۰۸) بررسی شد. همچنین پایایی ابزار را مقدار ۰/۸۵ برآورد کردند. دو نمونه از ماده‌های این مقیاس عبارت‌اند از: «من می‌توانم روی پایبندی همسرم به قول‌هایی که به من می‌دهد، حساب کنم» و «من به همسرم اعتماد کامل دارم». در پژوهش حاضر ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ مقدار ۰/۸۶ به دست آمد.

مقیاس صفات همدلی باتسون (BEA): مقیاس ۸ ماده‌ای صفات همدلی باتسون (BEA) را باتسون، کوئین، فولتز، وندرپلاس و آسن^۶ در سال ۱۹۸۳، ساخته‌اند. همدلی، توانایی درک احساس، وضعیت و انگیزه‌های فرد دیگری است (هورستاین، ۱۹۷۸). این مقیاس فهرستی همدلانه مانند همدردی کردن و نگران بودن را در بر می‌گیرد. آزمودنی احساسات همدلانه فعلی خود را نسبت به همسر در یک درجه‌بندی بر اساس روش لیکرت در دامنه‌ای از ۱ (اصلاً) تا ۶ (خیلی شدید) نشان می‌دهد. کوک (۲۰۰۶) پایایی این مقیاس را با استفاده از روش

1. Rempel, Holmes & Zana
2. interpersonal relationship scale
3. Schlein, Guerney & Stover
4. Rubin
5. Cetinkaya, Kemer, Bulgan & Tezer
6. Quin, Fultz, Vanderplas & Isen



همسانی درونی (آلفای کرونباخ) در دامنه‌ای بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۲ گزارش کرده است. خجسته‌مهر، کرای و رجبی (۱۳۸۸) نیز ضریب پایایی مقیاس را ۰/۸۴ گزارش دادند. همچنین ضریب اعتبار سازه مقیاس با همبسته کردن آن با مقیاس صمیمیت (IS) ۰/۵۹ محاسبه شد. همچنین ارزیابی پایایی درونی این مقیاس را پاتریک و همکاران (۲۰۱۳) بین ۰/۷۹ تا ۰/۹۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ مقدار ۰/۹۵ به دست آمد.

مقیاس رضایت زناشویی متقابل (RDAS)

بوسی، کرین، لارسون و کریستین^۱ (۱۹۹۵)، مقیاس RDAS را برای سنجش رضایت از رابطه زناشویی و اضطراب در رابطه ساختند. فرم اصلی این مقیاس ۳۲ ماده دارد که اسپینر و بر اساس نظریه لیوایز و اسپینر درباره کیفیت زناشویی ساخته است (به نقل از هولیست، کودی و میلر^۲، ۲۰۰۵). این مقیاس ۱۴ ماده‌ای به صورت طیف ۶ تایی از (= همیشه اختلاف داریم تا ۵= توافق دائم داریم) نمره‌گذاری می‌شود. این ابزار از سه خرده مقیاس توافق (ماده‌های ۱ تا ۶)، رضایت (ماده‌های ۷ تا ۱۰) و انسجام خانواده (ماده‌های ۱۱ تا ۱۴) و یک نمره کل تشکیل شده است. گستره نمره کل بین ۵ تا ۶۹ است که نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده رضایت از رابطه زناشویی بالاتر و اضطراب در رابطه پایین‌تر است. یوسفی (۱۳۹۰) در بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس رضایت زناشویی فرم تجدید نظر شده (RDAS) با روش تحلیل عاملی سه عامل (توافق، رضایت و انسجام) را در جامعه ایرانی نشان داد و با تحلیل عامل تأییدی آن‌ها برازش شدند. ضرایب پایایی همسانی درونی از جمله آلفای کرونباخ و تنصیف برای ۱۴ ماده و سه خرده مقیاس در کل پرسشنامه به ترتیب (۰/۸۹ و ۰/۹۲) رضایت‌بخش بودند. همچنین، ضرایب روایی همگرا کیفیت زناشویی با پرسشنامه رضایتمندی زناشویی، پرسشنامه ارزیابی همبستگی زوجین و مقیاس سازگاری توافق دو نفری به ترتیب (۰/۳۹، ۰/۳۶ و ۰/۳۳) به دست آمد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. در پژوهش پاتریک و همکاران (۲۰۱۳) نیز مقیاس رضایت زناشویی دو طرفه تجدید نظر شده با ضریب آلفای

-
1. Busby, Crane, Larson & Christensen
 2. Hollist, Cody & Miller

کرونباخ ۰/۹۰ بیان‌کننده پایایی قوی است و روایی قوی برای مقیاس رضایت زناشویی را نشان می‌دهد (بویسی و همکاران، ۱۹۹۵؛ کرین، میدلتون و بین^۱، ۲۰۰۰). در پژوهش حاضر ضریب پایایی کلی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ مقدار ۰/۹۶ به‌دست آمد.

مقیاس اخلاق رابطه‌ای (RES): مقیاس اخلاق در رابطه را هارگریو، جنینگز و آندرسون^۲ (۱۹۹۱) برای ارزیابی و برآورد ساختارهای مرتبط با اخلاق در رابطه استفاده کردند. اخلاق رابطه‌ای شامل ۲۴ ماده است که بر اساس یک طیف لیکرت ۱ تا ۵ درجه‌ای، درجه‌بندی می‌شود. این ابزار اخلاق را در رابطه در دو بعد: رابطه افقی (همسر) و روابط عمومی (خانواده) اندازه‌گیری می‌کند. ابعاد روابط افقی و عمودی اخلاق رابطه‌ای شامل سه خرده مقیاس (اعتماد و عدالت، وفاداری و استحقاق داشتن) و یک نمره کل است. نمرات بالاتر نشان‌دهنده مقادیر بزرگتر ساختار است. در این پژوهش از خرده مقیاس عدالت استفاده شده است. هارگریو و همکاران (۱۹۹۱) پایایی ابزار با روش آلفای کرونباخ در بین محدوده ۰/۹۳ تا ۰/۹۶ گزارش دادند که حاکی از پایایی بالای ابزار است. گرامز، میلر، رابینسون، هایگینز و هینتون^۳ (۲۰۰۸) نیز در بررسی خود مقدار پایایی ابزار را ۰/۹۳ محاسبه کردند. خجسته مهر و قنبری (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود پایایی ابزار را در حدود ۰/۹۰ به‌دست آوردند. در پژوهش حاضر مقدار ضریب پایایی ابزار با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به‌دست آمد.

مقیاس حل روابط بین فردی (IRRS): مقیاس حل روابط بین فردی (IRRS) را هارگریو و سلز (۱۹۹۷) ساخته‌اند. مقیاس حل روابط بین فردی یک مقیاس ۴۴ ماده‌ای با ساختار بلی و خیر است که یک ابزار خود گزارش‌دهی طراحی شده برای اندازه‌گیری درصدهای یک فرد برای خشونت در رابطه است. این مقیاس شامل دو بعد است که هر کدام دارای ۴ خرده مقیاس است. اولین بعد، جلوه رنج است که رنج مرتبط با خشونت در رابطه را همان‌گونه اندازه می‌گیرد که در چهار خرده مقیاس (خشم، شرم، کنترل و آشفتگی) بررسی می‌شوند. ۲۲ ماده مرتبط با این مقیاس وجود دارد که نمرات پایین‌تر، نشان‌دهنده مقادیر بزرگتر از ساختار است. دومین بعد در مقیاس حل روابط بین فردی، بعد بخشش است. این بعد، ویژگی‌های

-
1. Crane, Middleton & Bean
 2. Jennings & Anderson
 3. Grams, Miller, Robinson, Higgins & Hinton



مرتبط با بخشش را اندازه گیری می کند که در چهار خرده مقیاس بیان می شوند. این چهار خرده مقیاس، شامل نگرش، درک، دادن فرصت برای جبران و نشان دادن رفتارهای بخشش هستند (هاریگو و سلز، ۱۹۹۷). ۲۲ ماده مرتبط با این مقیاس وجود دارد که نمره های پایین تر بیان کننده مقادیر بزرگ تر ساختار هستند. در این پژوهش از بعد بخشش مقیاس استفاده شده است. هاریگو و سلز یک تحلیل آلفای کرونباخ انجام دادند و پایایی قوی داده ها را برای این ابزار برای بعد رنج، ۰/۹۵، بخشش، ۰/۹۲ گزارش دادند. بکنباخ، اشمیت^۱ و ریردون (۲۰۰۹) نتایج مشابهی را برای پایایی و روایی مقیاس گزارش دادند. به طور کلی، اثبات شده است که مقیاس حل روابط بین فردی یک ابزار پایا و معتبر برای استفاده در ارزیابی و برآورد بیان رنج و بعد بخشش است. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ در بعد رنج ۰/۸۷ و در بعد بخشش مقدار ۰/۸۹ به دست آمد.

برای تحلیل داده های به دست آمده از روش های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. از روش های آماری توصیفی میانگین، انحراف معیار و برای برازندگی مدل فرضی از تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار آماری AMOS استفاده شد.

یافته های پژوهش

در این پژوهش جامعه آماری ۴۲۷ نفر (۵۷٪ مرد و ۴۳٪ زن)، کارمند متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز بودند.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی میان متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
رضایت زناشویی	۴۷/۱۰۰	۱۶/۲۷	-						
اعتماد	۲۳/۷۴	۸/۱۷	۰/۸۲**	-					
مهربانی	۴/۹۴	۲/۴۹	۰/۴۹**	۰/۵۰**	-				
عدالت	۷۶/۸۵	۸/۴۸	۰/۶۳**	۰/۵۲**	۰/۲۹**	-			
بخشش	۱۰۲/۴۰	۷/۹۶	۰/۷۰**	۰/۰۸	۰/۲۵**	۰/۰۷	-		
رنج	۲۹/۲۳	۸/۷۱	-۰/۶۳**	-۰/۵۳**	-۰/۴۷**	-۰/۴۴**	-۰/۱۹*	-	
همدلی	۱۰/۳۶	۹۹/۳	۰/۴۴**	۰/۳۱**	۰/۳۳**	۰/۲۹**	۰/۴۰**	-۰/۶۱**	-

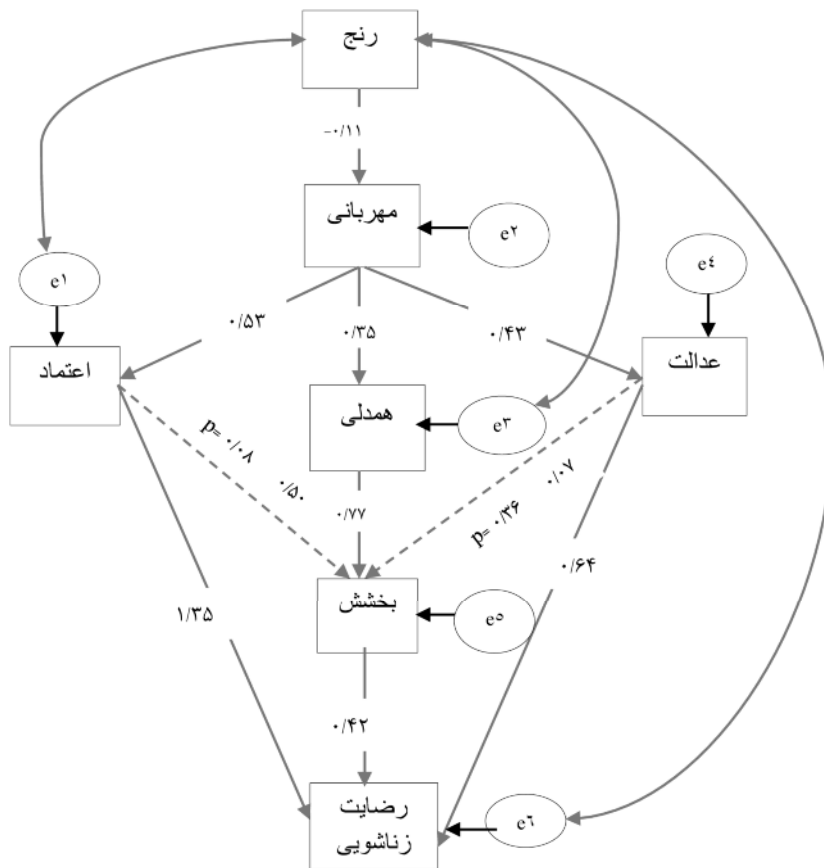
$P < 0.05$ * $P < 0.01$ **

همان گونه که یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد، ضرایب همبستگی متغیر رنج با متغیرهای رضایت زناشویی (-۰/۶۳)، اعتماد (-۰/۵۳)، مهربانی (-۰/۴۷)، عدالت (-۰/۴۴)، بخشش (-۰/۱۹) و همدلی (-۰/۶۱) به صورت منفی معنادار هستند. همچنین بین متغیرهای بخشش با اعتماد (۰/۰۸) و بخشش با عدالت (۰/۰۷) همبستگی معناداری وجود ندارد.

جدول ۲: شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی و مدل اصلاح شده

مدل‌ها	χ^2	Df	χ^2/df	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
مدل پیشنهادی	۱۷۳/۳۸	۱۱	۱۵/۷۶	۰/۷۶	۰/۴۰	۰/۵۹	۰/۴۰	۰/۵۸	۰/۵۸	۰/۳۹
مدل اصلاح شده	۱۰/۲۷	۷	۱/۴۶	۰/۹۷	۰/۹۰	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۰۶

همان گونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، شاخص‌های مدل پیشنهادی برازندگی مناسبی با داده‌ها را ندارند. لذا، برای اصلاح مدل پیشنهادی سه تعدیل بر روی مدل انجام شد و رابطه‌های بی‌معنی حذف شدند (از خطاهای متغیر همدلی به رنج، رضایت زناشویی به رنج، اعتماد به رنج).



نمودار ۱: ضرایب بتا مربوط به مدل اصلاح شده رابطه علی رنج ادراک شده با رضایت زناشویی با میانجی‌گری مهربانی، اعتماد، همدلی، بخشش، عدالت.

نمودار ۱ نشان می‌دهد که از میان تمام مسیرها در مدل اصلاح شده، دو مسیر غیر معنادار است: رابطه اعتماد با بخشش ($\beta = 0.50$, $p = 0.108$) و عدالت با بخشش ($\beta = 0.17$, $p = 0.36$). و بقیه مسیرها معنادار هستند: ضرایب مسیر رنج با مهربانی -0.11 ، مهربانی با همدلی 0.35 ، همدلی با بخشش 0.17 ، بخشش با رضایت زناشویی 0.42 ، اعتماد با رضایت زناشویی 0.35 ، اخلاق رابطه‌ای با رضایت زناشویی 0.64 ، مهربانی با اعتماد 0.53 و مهربانی با عدالت 0.43 به‌دست آمد. نتایج ضرایب غیر مستقیم مدل پیشنهادی با استفاده از روش‌های بوت استرپ ماکرو (پریچر و هیز، ۲۰۰۸) در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج ضرایب غیرمستقیم بوت استراپ به روش پریچر و هیز در مدل پیشنهادی

سطح اطمینان	خطای استاندارد	سوگیری	بوت	داده	فرضیه
۰/۹۵ حد پایین حد بالا					
۰/۵۸۵ ۱/۰۱۱	۰/۱۰۷	-۰/۰۰۹۵	۰/۷۷۹۹	۰/۷۸۹۴	۱-رابطه بین رنج و رضایت زناشویی از طریق اعتماد، مهربانی و عدالت
۰/۴۰۲ ۰/۷۹۴	۰/۰۹۹۲	-۰/۰۰۶۴	۰/۵۷۴۶	۰/۵۸۱۰	۱-۱-رابطه بین رنج و رضایت زناشویی از طریق اعتماد
-۰/۲۷۹۳ -۰/۱۳۵۶	۰/۰۴۷۰	-۰/۰۰۲۰	۰/۰۲۰۷	۰/۰۲۲۷	۱-۲-رابطه بین رنج و رضایت زناشویی از طریق مهربانی
۰/۸۷۲ ۰/۲۹۰۹	۰/۰۵۰۴	-۰/۰۰۱۲	۰/۱۸۴۵	۰/۱۸۵۷	۱-۳-رابطه بین رنج و رضایت زناشویی از عدالت
۰/۵۸۱۲ ۱/۰۳۳۹	۰/۱۱۹۱	-۰/۰۱۸۵	۰/۷۹۴۹	۰/۸۱۳۴	۲-رابطه بین رنج و رضایت زناشویی از طریق مهربانی، همدلی و بخشش
۰/۵۹۵۹ ۰/۹۶۷۳	۰/۰۹۸۴	-۰/۰۰۶۰	۰/۷۶۹۸	۰/۷۷۵۷	۳-رابطه بین رنج و رضایت زناشویی از طریق مهربانی و عدالت
۰/۴۸۵۹ ۰/۸۵۹۳	۰/۱۰۲۶	-۰/۰۰۲۸	۰/۶۸۶۲	۰/۶۸۹۰	۴-رابطه بین رنج و رضایت زناشویی از طریق اعتماد و مهربانی

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، متغیرهای اعتماد، مهربانی، بخشش، همدلی و عدالت به عنوان میانجی بین متغیر مستقل رنج و وابسته رضایت زناشویی قرار گرفتند. یعنی متغیرهای مهربانی با همدلی با بخشش واسط بین رنج با رضایت زناشویی، مهربانی با اعتماد واسط بین رنج و رضایت زناشویی، مهربانی با تأثیر بر عدالت و اعتماد واسط بین رنج و رضایت به عنوان میانجی چندگانه هستند (حد بالا و پایین این مسیرها را ببینید).



بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه علی بین رنج ادراک شده با رضایت زناشویی با میانجی‌گری مهربانی، اعتماد، بخشش، عدالت و همدلی در بین کارمندان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز بود. به طور کلی، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی تأیید شده است. روابط متوسط تا قوی برای تمام مسیرهای ساختاری به استثنای اعتماد با بخشش و بخشش با عدالت یافت شد.

اولین یافته پژوهش، رابطه متوسط معنادار بین متغیرهای رنج ادراک شده و مهربانی در رابطه زناشویی است. این یافته با پژوهش‌های بکنباخ و همکاران (۲۰۱۰)، پاتریک و همکاران (۲۰۱۳) و بوکار و همکاران (۲۰۱۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، رنج با تجربه فرد از آسیب در رابطه زناشویی ارتباط دارد. رنجی که یکی از زوجین در رابطه زناشویی احساس می‌کند، توانایی بیان احساسات آسیب‌زا و آزاردهنده در رابطه زناشویی را به شکل پنهان کردن احساسات و درون‌سازی عواطف تبدیل می‌کند. افرادی که قادر به مدیریت و بیان تجارب رنج خود با همسر یا شریک خود هستند، به احتمال بیشتری مهربانی در رابطه را درک می‌کنند. این نتیجه از این مفهوم حمایت می‌کند که مهربانی در رابطه می‌تواند در تسکین یا کاهش جنبه‌های زیان‌بخش آسیب در رابطه زناشویی نقش داشته باشد (بکنباخ و همکاران، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر، یکی از زوجین که رنج را در نتیجه تعارض، تجربه می‌کند می‌تواند این رنج را از طریق قادر بودن به متعهد شدن به استفاده از مهربانی در رابطه کاهش دهد. مهربانی در رابطه می‌تواند رنج را کاهش دهد، با وجود این، یکی از زوجینی که به شدت درگیر تجربه رنج است، ممکن است به ابراز مهربانی در رابطه قادر نباشد و خود را در یک وضعیت خود محافظتی یا دفاعی قرار دهد که در آن زمان، ابراز مهربانی یک تجربه تهدیدآمیز برای او به نظر بیاید. با این حال، ابراز مهربانی به رها شدن از رنج که به افراد کمک می‌کند تا چرخه تعارض را به هم بزنند و به سوی اصلاح و بازسازی رابطه پیش بروند (پاتریک و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بخشش رابطه مثبت معناداری با رضایت

زناشویی دارد. که با یافته‌های اولاتینکالکروس و وانستینوگان^۱ (۲۰۰۶) و نادری و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، اعتراف به اشتباه و معذرت‌خواهی در روابط صمیمانه به بخشش و در نتیجه، کاهش آزرده‌گی، خشم و انتقام منجر می‌شود. بخشش ممکن است به فرایند کاهش رفتارهای مخریبه‌ی کمک‌کننده از بی‌عدالتی ناشی می‌شود. همچنین، افزایش همدلی و مهربانی، بخشش در رابطه را افزایش می‌دهد، این یافته با پژوهش‌های پاتریک و همکاران (۲۰۱۳) و بکنباخ و همکاران (۲۰۱۰) همسو است. در تبیین این یافته باید گفت، زوجینی که می‌توانند به درک دیدگاه‌های همدیگر و به ایجاد عدالت و بی‌طرفی دست یابند، قادر هستند که فرایند بخشش را اعمال کنند. به معنای دقیق کلمه، زمانی که هر یک از زوجین به بیان رنج و درد خود در رابطه به‌جای پنهان کردن آن قادر باشد، مهربانی در رابطه را افزایش می‌دهد و در نتیجه فضایی را برای همدلی و عدالت باز می‌کند. همسرانی که می‌توانند در چرخه‌ی بازسازی رابطه درگیر شوند، به طور مؤثرتری مانع از تأثیرات آسیب به رابطه و حفظ یا افزایش رضایت زناشویی در مواجهه با وقایع خواهند شد.

نتیجه‌ی دیگر پژوهش ارتباط همدلی با رضایت زناشویی از طریق بخشش بود که با یافته‌های ئیدیری و هامارت (۲۰۱۵)، نادری و همکاران (۱۳۹۴) و سوسا و همکاران (۲۰۱۰) همسو است. باید گفت، درک همدلی، این امکان را برای زوجین فراهم می‌آورد تا درباره‌ی حالات و احساسات یکدیگر دقیق شوند، رنج و استرس طرف مقابل را درک کرده و برای بهبودی وضع او تلاش کنند همین امر بخشش در رابطه را ارتقاء می‌دهد. رشد همدلی زوجین می‌تواند با توانایی درک همسر خود و درگیر شدن در فرایند مشکل‌ایجادشده برای طرف مقابل ارتباط داشته باشد. همدلی و عدالت مستلزم فرایندهای توانایی درک و بیان دیدگاه دیگری و همچنین ابراز عدالت در رابطه با فراهم آوردن و دریافت این درک است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهند که افزایش مهربانی در رابطه می‌تواند به فرایند ابراز همدلی و در حین حال اعمال عدالت در رابطه زناشویی کمک کند. یافته‌ی دیگر پژوهش رابطه‌ی مستقیم بین اعتماد با رضایت زناشویی است. که با یافته‌های زارعی و همکاران (۱۳۹۰) و نوریس و زویگنهافت (۲۰۰۹) همسو است، اما با یافته‌ی پاتریک و همکاران (۲۰۱۳) و بکنباخ و همکاران



(۲۰۱۰) ناهمسو است. در این پژوهش‌ها، اعتماد به عنوان میانجی شناخته نشده بود و اثر بسیار ضعیفی بر رضایت زناشویی داشت، اما در پژوهش حاضر اعتماد، سهم بزرگی از واریانس متغیر رضایت زناشویی را در بر می‌گیرد و به عنوان میانجی بین متغیر مهربانی و رضایت زوجین قرار گرفت. اعتماد در فرهنگ سنتی و جمع‌گرای ایران در تدوام یک رابطه زناشویی نقش بسیار مهمی ایفاء می‌کند، ازدواج‌های انجام شده در ایران بافت سنتی دارند و طبق رسوم انجام می‌شوند. می‌توان گفت، اعتماد یکی از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی در فرهنگ‌های آسیا و جمع‌گراست و اگر وجود داشته باشد، روابط اعضای خانواده مؤثرتر خواهد بود. اعتماد، احساس امنیت درباره رفتارهای پیش‌بینی نشده فرد دیگری است. سطوح بالاتر اعتماد، سبب افزایش میزان تعهد در روابط زناشویی می‌شود (سیمپسون^۱، ۲۰۰۹ و خندان دل و کاویان فر، ۱۳۹۴). در نهایت می‌توان اذعان داشت که اعتماد، محصول اصلاح رابطه است. به عبارت دیگر بازسازی رابطه می‌تواند آن چیزی باشد که افزایش اعتماد در رابطه را ایجاد کند. این نتیجه می‌تواند نشان دهد که بازسازی به‌جای اینکه یک پیش شرط ثابت باشد، اثر اعتماد است. بنابراین، زمانی که همسران اعتماد را ایجاد می‌کنند که همدلی، عدالت و بی‌طرفی و بخشش در رابطه را نشان دهند.

کاربرد بالینی برای مدل حاضر بدیهی به نظر می‌رسد، این مدل از درگیری و مشغولیت زوجین در تشخیص مهربانی در رابطه به‌عنوان روشی برای شروع و اصلاح در رابطه حمایت می‌کند. به عنوان روشی برای میانجی‌گری تأثیر رنج، مهربانی در رابطه می‌تواند به یادآوری ارائه پتانسیل همسران به یکدیگر کمک کند. توانایی دیدن اینکه هر فردی به سلامت و بهزیستی دیگری علاقه‌مند است، می‌تواند مسیری به سوی اصلاح و بازسازی رابطه باشد. بنابراین، ترغیب به همدلی و عدالت در رابطه می‌تواند به زوجین در به‌کارگیری فرایند بخشش کمک کند که می‌تواند به مهربانی بیشتری منجر شود. به‌جای نیاز به تمرکز بر حفظ یک مرحله در یک زمان، روان‌شناسان بالینی می‌توانند روی هر جنبه‌ای از متغیرهای تأثیرگذار رابطه زناشویی برای ورود به فرایند بازسازی و اصلاح رابطه تمرکز کنند. همچنین از آن جایی که ساختارها با هم ارتباط دارند، به‌جای یک رویکرد مرحله به مرحله، یک درمانگر می‌تواند به

طور همزمان به چندین ساختار توجه کند.

این پژوهش نیز مانند سایر تحقیقات، با محدودیت‌هایی مواجه بود؛ نتایج این پژوهش محدود به شهر اهواز و کارمندان دانشگاه شهید چمران اهواز است. بنابراین، باید در تعمیم آن به فرهنگ‌ها و شهرهای دیگر جانب احتیاط رعایت شود. این تحقیق از نوع همبستگی بود و از این رو استنباط علی از نتایج آن باید با احتیاط انجام شود. همچنین داده‌های این تحقیق فقط از طریق یکی از اعضاء (زوجین) در رابطه جمع آوری شد. بنابراین، این تحقیق نمی‌تواند اختلاف صد درصدی ایجاد شده درون یک رابطه بین زوجین را توجیه کند. توانایی یکی از زوجین برای درک رضایت از رابطه متفاوت با زوج دیگر است (پاتریک، سلز، جیراندو و تولرود، ۲۰۰۷). از جمله پیشنهادهایی که می‌توان ارائه داد، بررسی ساختار اجتماعی و اقتصادی زوجین و تأثیر آن بر رابطه زناشویی است. همچنین داده‌ها از هر دو زوج به دست آید تا شناخت بهتری نسبت به مسائل مخرب رابطه زناشویی ایجاد شود. با توجه به اهمیت رنج و استرسی که زوجین در رابطه احساس می‌کند، پیشنهاد می‌شود که سازه خودخاموشی که به دنبال این رنجش اتفاق می‌افتد در رابطه زناشویی بررسی شود. در آخر باید متذکر شد، نتایج حاصل از این تحقیق به طور کلی مدل تعارض و بازسازی در رابطه را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد که مهربانی در رابطه در پاسخ به چرخه رنج و دفاع در برابر آن در تعارض زناشویی مفید واقع می‌شود. این ساختار به نظر می‌رسد تا فرصت‌هایی برای بازسازی رابطه از طریق درگیر کردن زوجین با مفاهیم عدالت، همدلی و بخشش ایجاد کند. اگرچه تحقیقات بیشتری برای درک بهتر چگونگی تأثیر مهربانی در رابطه و سایر عوامل بالینی اصلاح و بازسازی رابطه لازم است، اما این تحقیق، وضوح اهمیت این بررسی‌ها و ملاحظات را در افزایش رضایت از رابطه زناشویی مشخص می‌کند.



منابع

- آریا منش، صابر، فلاح چای، سید رضا و زارعی، اقبال (۱۳۹۲). مقایسه تمایز یافتگی بین زوج‌های رضایت مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس. *مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۳(۱): ۸۹-۸۱.
- زارعی، سلمان، فرحبخش، کیومرث و اسماعیلی، معصومه (۱۳۹۰). تعیین سهم خودتمایز سازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش‌بینی سازگاری زناشویی. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۲(۳): ۵۲-۶۳.
- سبحانی، جلیل، خانی، سعید و خانی، اسعد (۱۳۹۲). الگوهای ازدواج و ارتباط آن با رضایت زناشویی، مورد مطالعه دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان*، ۴(۱۲): ۷۷-۱۱۲.
- دغاغله، فاطمه، عسگری، پرویز و حیدری، علیرضا (۱۳۹۱). رابطه بخشودگی، عشق، صمیمیت با رضایت زناشویی. *روانشناسی اجتماعی*، ۷، ۵۷-۶۹.
- رضوی نعمت‌اللهی، ویدا و مهرابی گوهری، مرجان (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین همدلی، امید به زندگی و رضایت جنسی با سازگاری زناشویی در پرستاران زن شهر تهران. *اولین همایش ملی پرستاری، روانشناسی، ارتقاء سلامت و محیط‌زیست سالم*، ۱-۱۳.
- خندان دل، سحر و کاویان فر، حسین (۱۳۹۴). نقش اعتماد در روابط بین فردی و تاب‌آوری خانواده در رضایت زناشویی زوج‌های شاغل. *دو فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۱(۱): ۱۴-۳۱.
- خجسته مهر، رضا، کرایبی، امین و رجبی، غلامرضا (۱۳۸۸). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج. *مطالعات روانشناختی*، ۶(۱): ۷۹-۹۱.
- خجسته مهر، رضا و قنبری، زهرا (۱۳۹۳). بررسی اثر مستقیم و غیر مستقیم اخلاق رابطه‌ای بر اختلال عملکرد جنسی با میانجی‌گری رضایت زناشویی. *اولین کنگره ملی روان‌شناسی خانواده ایران*.
- قبادی، کاوه، دهقانی، محسن، منصور، لادن و عباسی، مریم (۱۳۹۰). تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک شده از آن و رضایت زناشویی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۷(۲۶):

۲۰۷-۲۲۲.

نادری، لیلا، مولوی، حسین و نوری، ابوالقاسم (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۶(۴): ۶۹-۷۵.

یاقوتیان، محمود، سلیمانان، علی اکبر و بخشی، مریم (۱۳۹۴). اثربخشی غنی‌سازی ارتباط بر کاهش دلزدگی زناشویی والدین کودکان آسیب دیده بینایی، *تعلیم و تربیت استثنایی*، ۱۵، ۲۹-۳۴.

یوسفی، ناصر (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس کیفیت زناشویی فرم تجدید نظر شده (RDAS). *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۱(۲): ۱۹۳-۲۰۰.

- Asoodeh, M. H., Khalili, S., Daneshpour, M. & Lavasani, M. G. (2010). Factors of successful marriage: Accounts from self-described happy couples. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 2042-2046.
- Arshad, M., Naeem Mohsin, M. & Mahmood, K. H. (2014). Marital adjustment and life satisfaction among early and late marriages. *Journal of Education and Practice*, 5(17), 83-90.
- Backus, L. N. (2009). Establishing links between desecration, forgiveness and marital quality during pregnancy. *Master of Art Dissertation, Graduate College of Bowling Green State University*.
- Bagherzadeh, R., Taghizadeh, Z., Mohammadi, E., Kazemnejad, A., Pourreza, A., & Ebadi, A. (2016). Relationship of work-family conflict with burnout and marital satisfaction: cross-domain or source attribution relations? *Health Promotion Perspective*, 6(1): 31-36.
- Batson, C. D., Quin, K., Fultz, J., Vanderplas, M. & Isen, A. (1983). Self-reported distress and empathy and egoistic versus altruistic motivation for helping. *Journal of Personality and Social Psychology*, 45: 706-718.
- Beckenbach, J., Patrick, S. & Sells, J. (2010). Relationship conflict and restoration model: A preliminary exploration of concepts and therapeutic utility. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 32, 290-301.
- Beckenbach, J., Schmidt, E. & Reardon, R. (2009). The interpersonal relationship resolution scale: A reliability and validity study. *The Family Journal*, 17, 335-341.
- Bokar, L., Sells, J., Giordano, F. & Tollerud, T. (2011). The validity of the relationship conflict model. *The Family Journal*, 19, 7-21.
- Boszormenyi-Nagy, I. (1987). *Foundations of contextual therapy: Collected papers*. New York, NY: Brunner/Mazel.
- Busby, D. M., Crane, D. R., Larson, J. H. & Christensen, C. D. (1995). A revision of the dyadic adjustment scale: Construct hierarchy and multidimensional scales. *Journal of Marital and Family Therapy*, 21, 289-308.
- Crane, D. R., Middleton, K. C. & Bean, R. A. (2000). Establishing criterion scores for the Kansas marital satisfaction scale and the revised dyadic adjustment scale. *American Journal of Family Therapy*, 28, 53-60.



- Cetinkaya, E., Kemer, G., Bulgan, G. & Tezer, E. (2008). The validity and reliability studies of the dyadic trust scale. *Turkish Psychological Counseling and Guidance Journal*, 3, 75-77.
- Hargrave, T. D., Jennings, G. & Anderson, W. T. (1991). The development of a relational ethics scale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 17, 311-320.
- Hargrave, T. D. & Sells, J. N. (1997). The development of a forgiveness scale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 23, 41-62.
- Hargrave, T. D. (1994). *Families and forgiveness: Healing wounds in the intergenerational family*. New York, NY: Brunner/Mazel.
- Hollist, F., Cody, S. & Miller, R. B. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. *Family Relations*, 54: 46-58.
- Kennedy, M. (2007). *Experiencing interpersonal grace: Transformation following experiences of disgrace* (Unpublished doctoral dissertation). Seattle Pacific University, Seattle, WA.
- Kochar, R. K., & Sharma, D. (2015). Role of love in relationship satisfaction. *The International Journal of Indian Psychology*, 3(1): 81-107.
- Johnson, S. M., Makinen, J., & Millikin, J. (2001). Attachment injuries in couple relationships: A new perspective on impasses in couples therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 27, 145-155.
- Grams, H. A., Miller, R. B., Robinson, W. D., Higgins, D. J., & Hinton, W. J. (2008). A test of contextual theory: The relationship among relational ethics, marital satisfaction, health problems, and depression. *Contemporary Family Therapy*, 30, 183-198.
- McCarthy, C. T. (2012). Validating grace, defense, and pain in the relationship conflict and restoration model. *Counseling Psychology; Individual & Family Studies*, 12(1), 145-153.
- McMinn, M. (2008). *Sin and grace*. Downers Grove, IL: Inter Varsity Press.
- Norris, S. L., & Zweigenhaft, R. L. (2009). Self-monitoring, trust and commitment in romantic relationship. *Journal of social psychology*, 139, 215-221.
- OrathinkalKourosh, J., & Vansteenwegen, A. (2006). The effect of forgiveness on marital satisfaction in relation to marital stability. *Contemporary family Therapy*, 28, 251-260.
- Prime, P. (2010). Embracing loss and grief, healing with grace and hope. *Journal of Personality and Social Psychology*, 13, 52-67.
- Patrick, S., Bechenbach, J., Sells, J. & Reardon, R. F. (2013). An empirical investigation in to justice, grace, and forgiveness: Paths to relationship satisfaction. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 21(2): 146-153.
- Rempel, J. K., Ross, M. & Holmes, J. G. (2001). Trust and communicated attributions in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 81, 57-64.
- Rempel, J. K., & Holmes, J. G. (1986). Trust in close relationships. *Journal of Personality*, 49, 95-112.
- Rubin, Z. (1970). Measurement of love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 16, 265-273.
- Simpson, J. (2009). Psychological foundations of trust. *Current Directions in*

- Psychological Science*, 16, 261–268.
- Sells, J., Beckenbach, J. & Patrick, S. (2009). Pain and defense versus grace and justice: The relational conflict and restoration model. *The Family Journal*, 17, 203–212.
- Sousa, A. D., McDonald, S., Rushby, J. L. S., Dimoska, A., & James, C. (2010). Understanding deficits in empathy after traumatic brain injury: The role of affective responsivity. *Cortex*, 47(5): 526-535.
- Veit, M., Štulhofer, A. & Hald, G. M. (2016). Sexually explicit media use and relationship satisfaction: a moderating role of emotional intimacy?. *Journal Sexual and Relationship Therapy*, 8, 1-17.
- Yarhouse, M. & Sells, J. N. (2008). *Family therapies: A comprehensive Christian appraisal*. Downers Grove, IL: InterVarsity Press.
- Yedirir, S. & Hamart, E. (2015). Emotional expression and spousal support as predictors of marital satisfaction: The case of Turkey. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 15(6): 1549-1558.



The causal relationship of perceived pain with marital satisfaction through mediation of kindness, trust, justice, empathy and forgiveness

Fatemeh Farzadi*
Hamid Faramarzi**
Manijeh Shehniyailagh***
Zahra Ghasemi****

Abstract

The aim of this study is to examine the components of conflict and reconstruction model of marital relationship, provided by Mels, Bach and Gatyryk, using path analysis. The Statistical population of this study consisted of married employees of Shahid Chamran University of Ahwaz. Of this population, a sample of 200 people were selected by multistage random sampling method and Finally 180 questionnaires were completed. Participants were asked to complete kindness scale (GRACE) of Patrick et al. (2013), the Scale of Trust (TS) of Rampel, Holmes and Zanna (1980), Empathy Adjectives Scale (BEA) of Batson et al (1983), bilateral Marital Satisfaction Scale revised of Busby, Crane, Larson and Christensen (1995), Relational Ethics Scale (RES) of Hargrave, Jennings and Anderson (1991) and The Interpersonal Relationship Resolution Scale (IRRS) of Hargrave and Sells (1997). The results showed that, kindness, justice,

* Corresponding Author: M. A. Education Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz. fatemehfarzadi@ymail.com.

** Lecturer, Department of Educational Psychology, PayamNoor University of KhoramAbad.

*** Professor, Department of Educational Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz.

**** M. A. Education Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz.

DOI: 10.22051/jwfs.2017.10382.1162

Submit Date: 2016/6/18 Accept Date: 2017/2/12



trust, empathy and forgiveness leads to more satisfaction with their marital relations. Path analysis confirmed the relationship between more variables. Results also showed that path of trust and justice variables along forgiveness are not significant predictors toward marital satisfaction. Instead, trust and justice demonstrated their role as a mediator with marital relationship satisfaction through the influence of grace upon them. Clinical utility for the present model seems evident. This model has well specified the impact of key variables that affect marital relationship. And probably through increased awareness of couples from their internal states and understanding of communication processes that occur between couples this can act as a way to start and amend marital relationship which is effective in increasing marital satisfaction and quality of life.

Keywords:

Marital satisfaction; forgiveness; justice; trust; empathy